

حقوق تجارت

علیهذا اگر شخصی اتفاقاً معامله تجارتي نماید مثل اینکه مالی را بقصد فروش یا اجاره تحصیل یا خریداری کند یا آنکه اگر مشغول انجام معاملاتی باشد که تجارتي شناخته نشده شخص مزبور واجد شرائطی که در ماده اول پیش بینی شده نیست بنا بر این تاجر محسوب نخواهد شد تا آنکه مقررات قانون تجارت شامل او گردد.

معاملات تجارتي در ماده ۲۰ قانون تجارت بشرح ذیل تصریح شده است:

۱- « خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول بقصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد ».

خرید - خرید ممکن است بنحوه بیع واقع شود یعنی تملك عين بوض معلوم یا در نتیجه تهيدات و قرار داد های الزام آور حاصل گردد در هر صورت منظور بدست آوردن مالی است بنحوی از انحاء قانونی که بتوان کلمه « خرید » را بان اطلاق نمود.

تحصیل - با آنکه تحصیل مال ممکن است از طریق خرید انجام گیرد ولی چون در ماده این دو کلمه متوالیاً استعمال شده بنا برین منظور از آن بدست آوردن مالی است بنحوی غیر از طریق خرید که ممکن است از طریق مبادله یا از طریق دیگری باشد مثل اینکه در ازاء گندم پشم داده شود و یا آنکه تاجری در ملك خرد خشکه بار برای فروش تهیه کند.

هر چند از لحاظ معنی لغوی دایره کلمه « تحصیل »

خیلی وسیع است ولی در مورد تشخیص معاملات تجارتي ناچاراً با در نظر گرفتن منظور مقتضی که آنها را با معامله که معنی داد و ستد از آن متبادر است ربط داده و با توجه بدوازین عرف و عادت تجاری کلمه مزبور را باید تا اندازه محدود نمود باموری که ارتباط آن ذاتاً با امور تجاری تنافی و تمایزی نداشته باشد بنا برین هیچ گاه نباید تصور رود که بتوان بکنفر زارع را شغل معمولی او از طریق کشت و زرع « تحصیل » متاع برای فروش بقصد انتفاع است تاجر محسوب داشت و یا عمل او را در اعداد معاملات تجاری قلمداد نمود.

هر نوع مال منقول - موضوع معاملات تجارتي مال منقول است و آنهم اختصاص باموال قابل نقل ندارد و ناظر بهر شیشی منقولی است که قابلیت مالکیت داشته باشد مثل حق تألیف و امثال آن. معاملات غیر منقول چنانچه ماده ۴ قانون تجارت صراحتاً مقرر داشته است از اعداد معاملات تجارتي بکلی خارج است.

بقصد فروش یا اجاره - برای آنکه معامله تجارتي باشد صرف خرید یا تحصیل مال مناط نخواهد بود و در واقع شرط عمده قصد انتفاع است که معنی آنها برای آنکه مواجه با اشکالی نشود بقصد فروش و یا اجاره تعبیر نموده و تعبیر مزبور از نقطه نظر اینکه رفع هر گونه اشکالی را مینماید و میدانی برای مباحثه ایجاد نمی کند بسیار بموقع است.

طبق شرح فوق اگر شخصی مالی را بدون قصد فروش یا اجاره خرید یا تحصیل نماید معامله مزبور تجاری

تمام فروشهای تاجر مورد بحث قرار میگیرد و هر چند قانون در این موضوع ساکت است ولی شکی نیست که عمل مز بوره باید تجارتی شناخته شود زیرا معقول نیست که عمل خرید تجارتی شناخته شود و فروش که منظور از خرید را تأمین میکند تجارتی نباشد.

بدیهی است اگر فروش مربوط با مور تجاری باشد نظریه فوق صحیح است ولی در صورتیکه فروش ارتباطی با امر تجارت نداشته باشد هر چند بوسیله تاجر انجام شود معامله تجارتی نخواهد بود مثل اینکه تاجری اموال منقولی را که ارتناً باو رسیده برای رفع حوائج شخصی بفروشد فروش باین کیفیت تجارتی نیست.

محسوب نخواهد شد مثل اینکه شخصی صد خروار گندم برای مصرف شخصی خود خریداری نماید معامله مز بوره اگر چه توسط شخص تاجری انجام شده باشد تجاری محسوب نخواهد شد ولی اگر قصد فروش یا اجازه موجود باشد معامله تجاری خواهد بود هر چند که متعامل تاجر نباشد

تجدیل قصد فروش یا اجازه در صورت عدم هر گونه ادله مثبتی از اوضاع و احوال و توجه باماره و قرائن معلوم میگردد.

راجع باینکه آیا فروش هم تجارتی است آقای عامری استاد دانشکده حقوق بشرح ذیل اظهار نظر نموده اند:

« این نکته خالی از اهمیت نیست زیرا نسبت به